خبرخوان

کنکوری‌ها و یازدهمی‌ها باز هم معترض شدند

ایسنا: گروهی از دانش‌آموزان روز گذشته (۱۲ خرداد) با حضور مقابل وزارت آموزش و پرورش، خواستار بازنگری در نحوه تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور شدند. این در حالی است که به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی متولی این مصوبه است. تعدادی از دانش‌آموزان کنکوری و یازدهمی روز گذشته در اعتراض به تأثیر معدل نهایی در کنکور، در مقابل وزارت آموزش و پرورش جهت رسیدگی به دو خواسته تجمع کردند؛ دسته اول به شرایط جنگ و آموزش‌های مجازی مدارس اشاره می‌کنند که درس‌خواندن را برایشان سخت کرده و خواهان جایگزینی تأثیر «مثبت» سوابق تحصیلی این پایه به‌جای تأثیر «قطعی» در سال جاری هستند. دسته دوم نیز دانش‌آموزان فارغ‌التحصیلی هستند که پایه یازدهم را ایجاد سابقه نکرده‌اند و حال می‌گویند در اوضاع جنگی نتوانسته‌اند درس بخوانند، ازاین‌رو خواهان معافیت خود از ایجاد این سابقه برای امسال هستند. این در حالی است که وزارت آموزش و پرورش همواره تأکید دارد مصوبه تأثیر معدل نهایی در کنکور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم‌گیری و ابلاغ شده، بنابراین این وزارتخانه امکان بازنگری در مصوبه مذکور را ندارد و صرفا اجراکننده آن است؛ در نتیجه نمی‌تواند مصوبه بالادستی را لغو یا تغییری در آن ایجاد کند. این اولین باری نیست که یازدهمی‌ها به مصوبه مذکور معترض شده‌اند؛ چراکه سال گذشته نیز به دلیل ابلاغ دیرهنگام مصوبه تأثیر قطعی معدل در کنکور (یکی، دو ماه مانده به کنکور)، شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از اعتراضات جمع‌آوری‌شده در نهایت نمرات شش درس پایه یازدهم را برای کنکور سال ۱۴۰۴ با تأثیر مثبت لحاظ کرد، اما همان موقع اعلام کرد برای کنکور سال ۱۴۰۵، این دروس پایه یازدهم دارای تأثیر قطعی ۱۷درصدی خواهد بود. همچنین برای آزمون سراسری سال ۱۴۰۶ و بعد از آن نیز مقرر شد تمام دروس پایه یازدهم تأثیر قطعی ۲۰درصدی داشته باشد. براساس همین مصوبه، وزارت آموزش و پرورش ملزم است از تمامی دروس پایه یازدهم امسال امتحان نهایی بگیرد. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تأثیر معدل در کنکور فروردین‌ماه سال گذشته ابلاغ شد.

تعطیلی ۵۰ مرکز گفتاردرمانی و کاردرمانی

ایلنا: براساس اعلام قائم‌مقام معاونت فنی سازمان نظام پزشکی تهران، در سال ۱۴۰۳ تقریبا ۷۴۰ مرکز کاردرمانی فعال بود، اما در سال ۱۴۰۴ این عدد به ۶۹۰ رسید؛ یعنی حدود ۱۴، ۱۵ درصد از مراکز بسته شدند. محمدرضا اسدی ادامه داد: «پای مصنوعی بالای زانو ۷۰۰، ۸۰۰ میلیون تومان هزینه می‌برد. قیمت یک دست مصنوعی که آن‌چنان هم الکترونیکی نباشد، یک‌ونیم تا دو میلیارد تومان است. این درحالی است که کمک‌هزینه‌هایی پرداخت‌شده به افراد دارای معلولیت در این حوزه کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد و تأمین‌کننده نیستند». او افزود: «سال گذشته سازمان بهزیستی مبلغ یک همت را به ۱۴۰ هزار نفر از افراد نیازمند به وسایل توان‌بخشی تخصیص داد، اما در طول جنگ ۴۰روزه نیازمندی رشد وسیعی پیدا کرد؛ به نحوی که حدود ۳۰۰ میلیارد تومان تنها برای خدمات‌دهی به تقریبا ۳۷ هزار نفر از افراد دارای معلولیت تخصیص یافت». به گفته این کاردرمانگر، تعرفه‌های جدید و هزینه‌های سنگینی ناشی از آن، شرایط سختی را به افراد دارای معلولیت و توان‌خواهانی که نیازمند وسایل کمک‌توان‌بخشی هستند، تحمیل کرده است. از یک طرف قیمت تجهیزات وارداتی گران است و از طرف دیگر تولید این لوازم در داخل هم هزینه‌بر است. قیمت مواد اولیه مورد نیاز برای تولید تجهیزات کمک‌توانبخشی در داخل بسیار گران است. درواقع بالابودن هزینه تولید این لوازم، تولیدکنندگان را با مشکلات بسیاری مواجه کرده؛ موضوعی که باعث کاهش تولید این لوازم شده است. در نتیجه این وضعیت، نه‌تنها تولیدکنندگان آسیب دیده‌اند، بلکه دسترسی افراد دارای معلولیت به این تجهیزات نیز کمتر شده است.

۶۰ درصد کلاهبرداری‌ها در «دیوار»

پلیس فتا اعلام کرد: «بستر سایت دیوار در کانون حدود ۶۰ درصد کلاهبرداری‌های سایبری کشور قرار دارد و بخش قابل توجهی از این پرونده‌ها با شگرد دریافت بیعانه از شهروندان انجام می‌شود». جواد مختاررضایی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا، با هشدار نسبت به افزایش کلاهبرداری در سکوهای آگهی‌محور اعلام کرد: «کلاهبرداران با درج آگهی‌های فریبنده و ارائه قیمت‌های پایین‌تر از عرف بازار، تلاش می‌کنند اعتماد خریدار را جلب کنند و سپس با ایجاد حس فوریت و فشار روانی از طریق عباراتی مانند «فروش فوری»، «رزرو کالا» یا «مشتری زیاد»، از قربانی درخواست واریز وجه به عنوان بیعانه می‌کنند». مختاررضایی افزود: «این شیوه کلاهبرداری عمدتا در آگهی‌های مرتبط با خودرو و لوازم خانگی دیده می‌شود؛ به‌ویژه در اقلام پرمتقاضی مانند مبلمان، یخچال و سایر کالاهای مشابه که به دلیل قیمت بالا، پرداخت‌های مرحله‌ای یا «رزرو» در آنها بیشتر بهانه‌سازی می‌شود». معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا تأکید کرد: «در بسیاری از موارد، پس از واریز بیعانه نه‌تنها کالایی تحویل داده نمی‌شود، بلکه مجرم با قطع ارتباط، مسدودکردن راه‌های تماس یا حذف آگهی، از دسترس خارج می‌شود. او خاطرنشان کرد شهروندان باید بدانند پرداخت بیعانه پیش از رؤیت و تحویل حضوری کالا یکی از مهم‌ترین عوامل گرفتارشدن در دام این کلاهبرداری‌هاست». مختاررضایی با ارائه توصیه‌های پیشگیرانه گفت: «شهروندان از پرداخت هرگونه بیعانه یا وجه پیش از مشاهده و بررسی حضوری کالا خودداری کنند و در صورت مشاهده موارد مشکوک، موضوع را از طریق مرکز امداد و فوریت‌های سایبری (۰۹۶۳۸۰) یا سایت policefata.ir گزارش دهند».

یادداشت

بازگشت به قانون

ادامه از صفحه اول

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۷۹ تشریفات اعمال محدودیت را مشخص کرده است. طبق این اصل، دولت باید در حالت جنگ یا شرایط اضطراری، با تقدیم لایحه به مجلس و تعیین موارد محدودیت، مجوز یک‌ماهه بگیرد. در صورت نیاز این مجوز با تصویب مجلس قابل تمدید است. پس از این مدت، دیگر محدودیتی قابل اعمال نخواهد بود. به یاد ندارم تاکنون این اصل مورد عمل قرار گرفته باشد. متأسفانه معاونت حقوقی و نیز معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری کم‌کارترین واحدهای این نهاد هستند و عملکردی غیرمسئولانه دارند. این معاونت‌ها اگر معتقدند هنوز شرایط اجرای اصل ۷۹ باقی است، می‌بایست با توضیح موضوع به رئیس‌جمهور، لایحه‌ای را تدوین کرده و در آن موارد و جزئیات محدودیت‌های یک‌ماهه را تعیین کرده و با قید دوفوریت به مجلس تقدیم کنند. از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم و تجاوز جنایت‌بار اسرائیل و آمریکا به ایران جلسه‌های علنی مجلس به دلایل امنیتی تعطیل بود. با توجه به اینکه در روز دوشنبه مجلس برای انتخابات هیئت‌رئیسه جلسه علنی رسمی تشکیل داد، به نظر می‌رسد مانعی برای طرح چنین لایحه‌ای در مجلس نیست. برای بازگشت کشور به مدار قانون و احیای آزادی گردش اطلاعات و حقوق رسانه‌ها و اینترنت و چیزهای دیگر، لااقل در همان حدود اندکی که پیش از جنگ متجاوزانه بود، دولت باید با احترام‌گذاشتن به حقوق ملت و قانون اساسی، اصل هفتادونهم را به اجرا گذاشته و محتوا و مغز قانون را به پوسته آن بازگرداند.

در نشست «تجربه زیسته روزنامه‌نگاران در جنگ»، خبرنگاران از موشک‌باران و محدودیت‌ها گفتند

از میدان تا تحریریه؛ جنگ چه بر سر خبرنگاران آورد

دیوارهای سالن انتهای نیم‌طبقه اول ساختمان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بعدازظهر دوشنبه گوش بودند برای شنیدن حرف‌های سه خبرنگاری که تجربه روزنامه‌نگاری در جنگ داشتند؛ خبرنگارانی که از سانسورها، محدودیت‌ها، فشارها، گلایه کردند، درباره تصویر ذهنی‌شان از جنگ احتمالی و خبرنگاری در میدان سخن گفتند و به زبان آوردند که یک بار آنها را با حاکمیت و یک بار مقابل حاکمیت خوانده‌اند. این نشست، چهارمین نشستی بود که شورای دانشجویی انجمن جامعه‌شناسان ایران با عنوان «سلسله نشست‌های زیست در زمانه بحران» این بار با تأکید بر «تجربه زیسته خبرنگاران در دوره جنگ» برگزار کرد. آن‌طورکه محمد محمدی، دبیر این نشست، اعلام کرد، این شورا فعالیتش را به‌تازگی آغاز کرده و تلاش دارد صدای گروه‌هایی باشد که پیش از این کمتر شنیده شده؛ تأکید آنها بر روایتگری است. در یک ماه گذشته این دومین نشستی است که با تأکید بر شخص «خبرنگاران» برگزار می‌شود؛ قبل از این نشست ترومای روزنامه‌نگاری در بحران از سوی دفتر توسعه آموزش رسانه برگزار شد و در آن به تأثیرات روانی گزارش‌های میدانی در وضعیت بحرانی مانند جنگ بر خبرنگاران پرداخت و این بار درباره تجربه زیسته همین افراد صحبت شد. الناز محمدی، خبرنگار و دبیر سرویس اجتماعی روزنامه توقیف‌شده هم‌میهن، سوگل دانایی، خبرنگار اجتماعی اکوایران و زهرا جعفرزاده، خبرنگار و دبیر اجتماعی روزنامه شرق پشت میز مستطیلی سفیدی قرار گرفتند و به‌نوبت درباره آنچه در یک سال گذشته طی جنگ ۱۲روزه، اتفاقات دی‌ماه و جنگ اخیر گذشته، صحبت کردند؛ روایت‌های آنها اما جدای از فعالیت حرفه‌ای‌شان نبود.

نشست با سه پرسش شروع شد: اول: چرا روایت مهم است؟؛ دوم: تجربه زیسته خبرنگاران در جنگ چه لایه‌های پنهانی دارد؟؛ و سوم: جنگ در آنها چه چیزی را تغییر داد که دیگر به وضعیت قبل بازنگشتند؟ زهرا جعفرزاده، روزنامه‌نگار، اولین کسی بود که به این پرسش‌ها پاسخ داد. از نظر او، جایگاه خبرنگاران در سه، چهار سال گذشته، بیش از گذشته مشخص شد و شاید بتوان گفت جامعه با مخاطرات روزنامه‌نگاری آشناتر شد. او به حرف‌هایش این را هم اضافه کرد که روایتگری جنگ هم به این فضا کمک کرد: «تصورم از خبرنگاری در جنگ، درست مانند تصویری است که در رسانه‌های خارجی می‌بینم؛ خبرنگارانی که زیر موشک‌باران مشغول گزارشگری هستند و در دل ماجرا قرار دارند، اما بامداد بیست‌وسوم خرداد سال گذشته با اولین حملات موشکی، آنچه روزنامه‌نگاران را شوکه کرد این بود که نحوه مواجهه با این اتفاقات چطور باید باشد؟ ما هیچ شیوه‌نامه‌ای در این زمینه نداریم، هیچ جزوه و نوشته‌ای. حتی جلسه‌ای مرتبط با این موضوع برگزار نشد. اگر هم جلساتی بود، فقط برای ابلاغ دستوراتی بود که از نهادهای مربوطه اعلام شده و شیوه روایت و انتشار اخبار را مشخص می‌کرد. خبرنگاران مستأصل بودند آیا باید با موشک‌باران و خرابی‌های ناشی از آن مانند یک حادثه زلزله یا ریزش آوار و انفجار گاز برخورد کنند یا با در نظر گرفتن ابعاد امنیتی، وارد میدان نشوند؟ به هر حال روایتگری از بحرانی مانند جنگ، برای خود خبرنگاران هم با مخاطرات جانی همراه است. امنیت آنها هم مانند سایر افراد، به خطر می‌افتد». او در ادامه به مشقت‌های خبرنگاری در این وضعیت اشاره کرد و گفت بعد از جنگ ۱۲روزه، اتفاقات دی‌ماه و همین جنگ اخیر، انتقاداتی به آنها وارد می‌شد که چرا گزارش‌ها کامل نیست؟ چرا همه ابعاد ماجرا در نظر گرفته نشده و چه پاسخی غیر از اینکه: «ما بر اساس آن میزانی که اجازه داده می‌شود می‌توانیم بنویسیم و نوشتن هرچند کوتاه و مختصر، بهتر از ننوشتن است؛ نوشتن بخش‌هایی از واقعیت که امکان انتشار دارد. ما معتقد به نوشتن هستیم، نه اینکه به دلیل محدودیت‌ها، به طور کلی نوشتن را کنار بگذاریم».

قطعی اینترنت؛ اولین بحران روزنامه‌نگاری

از نظر این روزنامه‌نگار، قطعی اینترنت در هر سه وضعیت دو جنگ و اتفاقات دی‌ماه، بزرگ‌ترین بحران روزنامه‌نگاران بود و هست: «از سختی‌های ارسال گزارش‌ها به رسانه و خبرهایی که به موقع منتشر نشد که بگذریم، اتفاق بسیار ناراحت‌کننده‌ای که برای گروهی از خبرنگاران رخ داد، اتهاماتی بود که به دلیل سفیدشدن خط‌شان به آنها وارد شد؛ خط‌هایی که برای مدتی کوتاه برایشان فعال شد اما تا همین لحظه مورد هجمه قرار گرفته‌اند و به آنها انواع اتهامات وارد شد». به گفته جعفرزاده، تجربه زیسته روزنامه‌نگاران در جنگ تفاوتی با تجربه زیسته آنها به عنوان یک انسان ندارد، اما آنچه بر آنها در یک سال گذشته گذشت، موضوعی است که شاید از درک عمومی خارج باشد؛ اینکه چه اتهاماتی از دو سو، یعنی سیستم و جامعه به خبرنگارانی زده شد که فعال میدان و مشغول روایتگری بودند و عده‌ای از آنها نه‌تنها تحت پوشش بیمه نبودند، بلکه هیچ حمایتی هم از رسانه‌های خودشان نداشتند. خبرنگارانی که با حداقل حقوق مشغول به کارند و مسئولیت تمام اتفاقات حرفه‌ای را خودشان باید بر دوش بکشند: «در همان دوره جنگ، زمانی که روایت قربانیان منتشر می‌شد، به نویسندگان برچسب حکومتی‌بودن زدند، گزارشگری در دی‌ماه اما منجر شد تا سوی دیگر ماجرا آنها را با اتهاماتی روبه‌رو کند. حالا در چنین وضعیتی باید خبرنگار در میدان باشد و گزارشگری کند». بخش‌های دیگر صحبت‌های این روزنامه‌نگار به محدودیت‌های راستی‌آزمایی‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط می‌شود؛ وقتی تلفن را برنمی‌دارند و با مسئولی تماس می‌گیرند و به محض شنیدن نام رسانه، از مصاحبه خودداری می‌کنند. حالا در این وضعیت چطور می‌توان جانب انصاف و بی‌طرفی را رعایت کرد وقتی نمی‌توان دو سوی ماجرا را در گزارش گنجاند؟ «یا پاسخ‌گو نیستند یا رسما می‌گویند با شما مصاحبه نمی‌کنیم یا به سازمان‌های دیگر ارجاع می‌دهند. سال‌هاست خبرنگاران به خودی و غیرخودی تقسیم می‌شوند. امکانات و مجوزها برای خودی‌هاست و محدودیت‌ها و دوری از میدان برای غیرخودی‌ها». او سخت‌ترین لحظه خبرنگاری در جنگ را زمانی می‌داند که احتمال موشک‌باران ساختمانی در نزدیکی محل روزنامه مطرح شد اما او و سایر همکارانش در تحریریه بودند: «شاید یکی از مهم‌ترین دلایل حضور در تحریریه، دسترسی به اینترنت بود. چون در صورت خروج از روزنامه، دیگر امکان دسترسی به اینترنت وجود نداشت. حتی ساده‌ترین کاری که برای تکمیل گزارش‌ها لازم بود یعنی جست‌وجو در گوگل، امکان‌پذیر نبود». او بر این نکته تأکید می‌کند که محدودکردن گروهی از خبرنگاران برای حضور در میدان جنگ، اطلاع‌رسانی درست را خدشه‌دار می‌کند: «چرا باید خبرنگار روزنامه رسمی را به عنوان خبرنگار رسانه معاند بدانند و از ورود او به میدان خودداری کنند؟ اینها فشارهای زیادی به خبرنگاران وارد می‌کند. گروهی از این خبرنگاران حتی جرئت نشان‌دادن کارت خبرنگاری‌شان را ندارند، چون ممکن است با آنها برخورد شود. آنها اغلب با هویت‌های پنهان گزارش می‌گیرند. به عنوان شهروند وارد میدان می‌شوند و مانند یک شهروند از میدان بیرون رانده می‌شوند. به هر حال روایت خبرنگاران برای ثبت در تاریخ است و فکر می‌کنم روزنامه‌نگاران ایرانی به‌ویژه خبرنگاران بخش اجتماعی با نقشی که در روایتگری‌های اتفاقات یک سال اخیر داشتند، اتفاق کم‌نظیری را رقم زدند و خدمت بسیار بزرگی به روزنامه‌نگاری ایران کردند. همه اینها با وجود تهدیدها و فشارها بود».

خبرنگاران اجتماعی گل کاشتند

الناز محمدی، روزنامه‌نگار اجتماعی، صحبت‌هایش را با مقایسه کار حرفه‌ای در دو جنگ اخیر شروع کرد؛ آنجا که کار سخت‌تر شد و محدودیت‌ها بیشتر: «برای ما باورش سخت است که به فاصله چند ماه تا این میزان شرایط زندگی عجیب، سخت و پیچیده شد و به طور قطع می‌توان گفت روایتگری در جنگ ۱۲روزه، با روایتگری در جنگ اخیر تفاوت‌های بسیار زیادی دارد و شاید یکی از دلایل آن هم قرارگرفتن جنگ اخیر بعد از اتفاقات دی‌ماه بود». او درباره تجربه زیسته‌اش گفت: «برای من بسیار عجیب بود که بعد از نزدیک به ۲۰ سال روزنامه‌نگاری به این موضوع فکر می‌کردم که شاید دیگر نباید بنویسیم. به هر حال فشارها به خبرنگاران داخلی بسیار زیاد بود و همچنان هم این وضعیت وجود دارد. این اولین بار بود که به این موضوع فکر می‌کردم؛ خبرنگاری که خودش زیر بمباران بود و مانند خبرنگاران در افغانستان، غزه، عراق و... در ساختمان‌های امن رسانه‌های خودشان تحت محافظت نبود، خبرنگاری که تنها بود و از هر طرف به او حمله می‌شد. بحث‌های امنیتی از یک طرف و حملاتی که از طرف دیاسپورا می‌شد و جامعه‌ای که پر از خشم بود... گویی خبرنگار سیبل بود و از هر طرف به سمتش دارت پرتاب می‌شد. همه خشم‌شان را بر سر خبرنگاران خالی می‌کردند؛ خبرنگارانی که با وجود فشارها، انتخاب کرده‌اند در اینجا بمانند و کار کنند». او ادامه حرف‌هایش را گرفت: «ما تا به حال تجربه کار در جنگ را نداشتیم، همیشه تصورمان این بود که اوج کار روزنامه‌نگاری، خبرنگاری در جنگ است، نه اینکه می‌خواستیم جنگی رخ دهد اما همیشه به این فکر می‌کردیم که برای کار در جنگ باید آموزش ببینیم تا بتوانیم روزنامه‌نگاری مؤثری داشته باشیم. البته روی صحبت‌های من با خبرنگاران اجتماعی است که با وجود تمام مسائل از نظر من گل کاشتند، رفتار حرفه‌ای‌شان شاهکار بود و توانستند بدون هیچ آموزش و حکایت، روایت‌های بسیاری از جنگ داشته باشند». به گفته این روزنامه‌نگار، با وجود تجربه جنگ ۱۲روزه، اما باز هم خبرنگاران برای جنگ بعدی آماده نشدند؛ به آنها آموزشی داده نشد، جزوه‌ای دستشان ندادند و حتی اثرات روانی ناشی از خبرنگاری در جنگ هم مورد توجه کسی نبود. وقتی دوباره جنگ شروع شد، باز هم همان وضعیت تکرار شد. او ادامه داد: «هرآنچه خبرنگاران انجام دادند و نوشتند، کاری بود که خودشان می‌خواستند، حداقل در رسانه‌ها و خبرنگارانی که می‌شناسم، یعنی از طرف رسانه خیلی هم اصراری به این کار نبود. هرچند حمایت هم می‌کردند اما کسی فشاری نمی‌آورد. خودشان دست را بر زانو گذاشتند و بلند شدند و از دل آوار و جنگ، روایت‌ها را بیرون کشیدند. اما نکته مهم اینجاست که حتی وقوع جنگ در ایران متفاوت از سایر کشورها بود. دستورالعمل‌های رویترز و ای‌پی درباره روزنامه‌نگاری در جنگ را که می‌خواندم، می‌دیدم روی خطوط جبهه تأکید می‌شود، اما خط جنگ ما کجا بود؟ خانه خودمان جبهه جنگ بود؛ خط مقدم، خانه خودمان بود. حتی نظمی که در موشک‌باران در مناطق دیگر مانند غزه رخ می‌داد در ایران وجود نداشت. خبرنگار تنها و بی‌پناه مانند مردم بود. به هر حال خبرنگاران جدای از مردم نیستند. اما وقتی روایت قربانیان جنگ را منتشر می‌کردند با انواع اتهام‌زنی‌ها مواجه می‌شدند. سؤال می‌شد اینترنت از کجا آورده‌ای؟ تو خط سفید داری. تو که درباره قربانیان جنگ نوشتی درباره قربانیان دی‌ماه هم نوشتی؟ هرچه توضیح می‌دادیم در گوش‌هایشان پنبه گذاشته بودند. حتی ما را زیر سؤال می‌بردند چرا درباره کودکان میناب نوشتید؛ می‌خواستند کنار مرکز نظامی، مدرسه نسازند. اما آخر این چه حرفی است؟ اینها کودک بودند و حتی رسانه‌های آمریکایی هم تأیید کردند موشک آمریکایی بمباران کرده. به ما می‌گفتند خون‌شور. همه اینها در حالی است که ما می‌خواستیم قربانیان جنگ را چهره کنیم، اینها فقط عدد نبودند».

روایت رنج آواره‌ها

روایت سوگل دانایی، روزنامه‌نگار، اما متفاوت از دو نفر دیگر بود. او یکی از قربانیان جنگ بود؛ خانه‌شان در سومین روز جنگ تخریب شد و خانواده‌اش آواره شدند. در این شرایط او باید از جنگ گزارش می‌داد: «تراپیستم می‌گوید شما خبرنگاران روی لبه باریکی حرکت می‌کنید. چیزهایی می‌نویسید که خیلی‌ها دوست ندارند. هم باید انسانیت را در روایت‌تان رعایت کنید و هم در جامعه دوقطبی کار کنید که بسیار سخت است؛ جامعه‌ای که مدام ما را در فهرست خوب‌ها و بدها قرار می‌دهد. یک روز با شماست و یک روز مقابل شما. در کنار همه این مشکلات از سانسوری که نهادینه می‌شود تا برخوردهای قهری، حالا خودتان هم گرفتار بحران می‌شوید. ما در این دو جنگ با بوروکراسی‌های بسیار سختی مواجه شدیم که عملا گاهی کار را غیرممکن می‌کرد». خانه سوگل دانایی ساعت ۴ بعدازظهر ۱۱ اسفندماه واقع در منطقه ۴ تهران تخریب شد. ساختمان کناری‌شان هدف موشک‌باران قرار گرفت و آنها که دیوار به دیوار بودند، وقتی به خانه بازگشتند با تلی از خاک مواجه شدند. از خانه آنها جز تعدادی کتاب و چند دست لباس چیز دیگری باقی نماند: «ما در جنگ ۱۲روزه گزارش‌های زیادی می‌گرفتیم؛ گزارش‌های تصویری از مناطقی که تخریب شده‌اند اما در جنگ بعدی در وضعیتی قرار گرفتیم که خودمان آسیب‌دیده بودیم و باید در این شرایط کار حرفه‌ای‌ام را هم انجام می‌دادم. خشمگین و عصبانی بودم و در عین حال باید از نظر روانی خودم را برای گزارشگری آماده می‌کردم».

گزارش کامل را در سایت «شرق» بخوانید

آگهی احراز تصرفات موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰
تحت پلاک ۳۷،۴۴۵۰ مفروز و مجزی شده از ۲ و ۳ و ۷ فرعی از ۳۷ اصلی.
نظر به اینکه به استناد رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۲۶۰۰۱۱۸۵ مورخه ۱۴۰۴،۱۱،۲۹ موضوع پرونده کلاسه شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۰۴۶ هیئت رسیدگی کننده قانون صدر الذکر مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک قلهک تهران تصرفات بلا منازع خانم آذر صفری نژاد بشماره شناسنامه ۳۹۸۹ و دارای کد ملی ۰۴۵۰۴۴۹۲۸۹ صادره از شمیرانات فرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۱۹۹،۰۲ متر مربع در قسمتی از پلاک ثبتی ۴۴۵۰ فرعی از ۳۷ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران حوزه ثبتی قلهک به نشانی تهران خیابان کلاهدوز خیابان آقامیری پلاک ۱۱ انتقالی واگذار شده بلا واسطه از حسینقلی کمال هدایت احراز شده و جهت اجرا و صدور سند مالکیت طی نامه شماره ۱۴۰۰۸۵۶۰۱۰۲۶۰۰۳۴۲۴ مورخه ۱۴۰۵،۰۲،۲۲ به این اداره اعلام گردیده است و برای این مقدار پلاک ۳۷،۴۴۵۰ مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ و ۳ و ۷ فرعی از ۳۷ اصلی در نظر گرفته شده است لذا به استناد ماده ۳ قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدور سند بنام متقاضی مذکور هرگونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض و اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت مقرر، سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید.
م الف۱۱۰۰۳ اداره ثبت اسناد و املاک قلهک (تهران)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک لویزان تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۵۴۹۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد والی عسکری فرزند پنجشنبه بشماره شناسنامه ۳ کد ملی ۰۶۲۲۱۴۴۰۹۱ در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۵ متر مربع پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۶۷۲۰ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک لویزان تهران خریداری از مالک رسمی آقای هایکاز چکناوریان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف۱۱۰۰۷ اداره ثبت اسناد و املاک لویزان (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه آقای محمد احمدی بافنده به عنوان مالک با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده به شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۶۰۵۴۲۰۰۰۰۲۴ و شماره ترتیب ۱۶۷ و رمز تصدیق ۸۶۹۹۶۸ مورخ ۱۴۰۵.۰۲.۲۲ دفتر خانه ۱۶۷۸ تهران طی درخواست وارده ۲۶۰۰۳۵۸۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۲.۲۳ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی میگردد:
۱- نام و نام خانوادگی : محمد احمدی بافنده ۲- شماره پلاک : ۷۶۴ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران ۳- علت گم شدن: جابجایی
خانه وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۷۶۴ فرعی از ۳۳ اصلی ، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور در طبقه و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک قلهک تهران استان تهران
(توضیحا مساحت و طول ابعاد در پیس نویس قید نشده است)
به حدود شمالا: اول دیواریست به شارخ خاص دوم دیواریست به خانه پلاک ۴۸۶ غلامعلی شرقا: اول به دیوارخانه پلاک ۲۸.۳۳ خانه دیگر مالک ، دوم دیواریست به خانه مرقوم جنوبا :دیواریست به شارع عام غربا: اول دیواریست به دیوار پلاک ۵۳۹ آقا مهدی دوم دیوار به دیوار خانه مذکور، سوم دیواریست به خانه ۴۸۶ غلامعلی تهرانی ذیل ثبت ۷۴۰۰ صفحه ۷۷ دفتر املاک جلد ۲۸ بشماره چاپی ۱۶۹۸۰۴ به نام علی هوشمند مظفر ثبت و صادر شده سپس به موجب سند انتقال قطعی شماره ۱۷۷۰۸ مورخ ۸۶.۱۱.۱۷ دفتر خانه اسناد رسمی تهران ۴۱۲ به داود - طاهره محمد همگی حسینی منتقل گردید. سپس طبق سند قطعی ۲۷۴۰۵ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۷ دفتر ۴۸۲ تهران به محمد احمدی بافنده به شرح ذیل منتقل شده است.
مشخصات مالکیت: مالکیت محمد/ احمدی بافنده فرزند غلامحسین شماره شناسنامه ۵۰ تاریخ تولد ۱۳۴۰.۰۵.۰۹ دارای شماره ملی ۱۹۷۱۹۰۶۲۳۹ با جز سهم از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۷۴۰۵ تاریخ ۱۳۹۱.۰۵.۱۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره۴۸۲ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۶۹۸۰۴ سری سال که در صفحه ۷۷ دفتر املاک جلد ۲۸ ذیل شماره ۷۴۰۰ ثبت گردیده است. حقوق ارتفاقی ملک :ندارد
لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنای سند مالکیت را طبق مقررات صادروبه متقاضی تسلیم خواهد کرد. حقوق ارتفاقی ملک: ندارد
م الف ۱۱۴۳۴ اداره ثبت اسناد و املاک قلهک (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت
نظر به اینکه آقای حسین جاده با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۳۶۴۰۶۵ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۸۱۸ تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۲۵۰۰۱۳۸۹ مورخ ۱۴۰۵.۱.۳۰ مدعی فقدان یک قطعه واحد تجاری وضعیت خاص طلق به پلاک ثبتی ۱۸۰۵۲ فرعی از ۶۷۳۵ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۱۲۷۷ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۲ تفکیکی واقع در طبقه ۰ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۳۳.۳۴ متر مربع ، واقع در سمت جنوبی همکف منضماتی از نوع سرویس اختصاصی منضم قطعه ۲ به مساحت ۱.۸۸ متر مربع بنام آقای حسین جاده فرزند علی مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۸۹۹۴۸ تاریخ ۱۳۹۸.۱۲.۱۰ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۲۰۳ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۷۷۲۲۸ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۲۵۰۰۰۹۳۳ ثبت گردیده است.
مالکیت روح اله آراد فرزند علی مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۸۹۹۴۸ تاریخ ۱۳۹۸.۱۲.۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره۲۰۳ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۷۷۲۲۹ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۲۵۰۰۰۹۳۴ ثبت گردیده است.
حقوق ارتفاقی ملک: ندارد محدودیت: محدودیت دفتر املاک :رهنی شماره ۲۸۷۴۳ و شماره سیستمی ۱۳۹۹۲۱۲۰۱۰۲۵۰۰۰۹۷۳ مورخ ۱۳۹۹.۰۹.۲۵ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۹۸۵ شهر تهران استان تهران که بنفع شرکت گندم طلایی کوروش به مبلغ ۹.۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مدت ۳۶ ماه ثبت شده است.بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیر الانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود . در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.
م الف ۱۱۴۲۶ اداره ثبت اسناد و املاک نارمک (تهران)